



Res. article

Predicator in Persian

Azadeh Mirzaei^{1✉}

1- Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Received: 2020/16/01 Accepted: 2020/11/04

Abstract

The term predicate refers to two concepts in the literature; in the traditional grammar (in dividing the sentence into two parts: the subject and the predicate) and the other in the discussion of predicate-argument relations. Recent linguists have used two terms, predicate and predicator, to avoid confusing these two terms, respectively, for the first and second definition. In Persian, the two terms “Gozaræ” and “mahmul” have made a clear distinction between the two concepts. The present study investigates the different types of predicators in Persian based on the role and reference grammar to consider the differences and similarities between the predicators in Persian. The consideration of the layered structure of clauses and phrases showed that the nominal predicator has the most similarity and the prepositional predicator has the least to the verbal predicator. Furthermore, the findings showed that we have to accept the adjective phrase contrary to the role and reference grammar because there are different types of adjectival modifiers which are necessary to consider according to the layered structure.

Keywords: predicator, argument, adjunct, predicate, adjective, Role and Reference Grammar, Persian.

Citation: Mirzaei, A. (2020). Predicator in Persian. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (28), 103-126. (*In Persian*)





محمول در زبان فارسی

آزاده میرزائی[✉]

۱- استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۳

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶

چکیده

اصطلاح predicate در پیشینه پژوهش‌های زبانی برای دو مفهوم استفاده شده است. یکی در دستور سنتی (تقسیم‌بندی جمله به دو بخش نهاد و گزاره) و دیگری در بحث روابط محمول - موضوع. زبان‌شناسان اخیر برای پرهیز از خلط این دو مبحث، دو اصطلاح predicate و predicator را به ترتیب برای کاربرد اول و دوم در نظر گرفته‌اند. در زبان فارسی دو اصطلاح گزاره و محمول، میان این دو کاربرد تمایز شفاف‌تری ایجاد کرده است. پژوهش حاضر انواع محمول را در زبان فارسی بر مبنای رویکرد نقش و ارجاع بررسی کرده است تا تفاوت‌ها و شباهت‌های میان محمول‌های زبان فارسی را بررسی کند. بررسی ساختار لایه‌ای بندها و گروه‌ها نشان داد که محمول اسمی بیشترین نزدیکی و محمول حرف اضافه‌ای، کمترین شباهت را با محمول فعلی دارد؛ همچنین داده‌های بررسی‌شده نوشتار پیش رو نشان داد که محمول صفتی می‌تواند توصیف‌گرهای متنوعی داشته باشد که به لحاظ نوعی از هم متفاوت هستند؛ بنابراین برخلاف رویکرد دستور نقش و ارجاع که به گروه صفتی قائل نیست، گریزی نخواهد بود جز آنکه گروهی با عنوان گروه صفتی معرفی شود و توصیف‌گرهای صفتی در ساختار لایه‌ای، در جایگاه‌های متفاوت جایابی شوند.

کلیدواژه‌ها: محمول، موضوع، افزوده، گزاره، صفت، دستور نقش و ارجاع، زبان فارسی.



۱- مقدمه

در زبان فارسی دو اصطلاح گزاره^۱ و محمول^۲ به دو مفهومی اشاره می‌کنند که گاه به‌جای هم به‌کار می‌روند. در نوشتار پیش رو منظور از محمول، هر عبارت زبانی است که ساخت موضوعی^۳ دارد و گزاره بخشی از جمله است که نهاد نیست.

گزاره و محمول به‌طور معمول با فعل شناسایی می‌شوند؛ اما صورت غیر فعلی آن‌ها نیز در زبان‌ها وجود دارد. بسیاری از زبان‌شناسان در معرفی گزاره غیر فعلی، به ساخت‌های اسنادی اشاره می‌کنند و با توجه به آنکه فعل در این ساخت‌ها محتوای رویدادی ندارد و افزون بر آن، در برخی زبان‌ها قابل حذف است، مسند را به‌مثابه گزاره در نظر می‌گیرند. در این حالت، میان مسند صفتی، اسمی و حرف اضافه‌ای، تمایزی قائل نمی‌شوند و همگی آن‌ها را مصداق گزاره در نظر می‌گیرند (تالرمن^۴، ۲۰۱۱، ۳۹-۵۶ و ۷۳؛ درایر^۵، ۲۰۰۷: ۱۱۷-۱۱۸).

تعریف محمول به جایگاهش وابسته نیست. در علم منطق، به هر واحد زبانی که ساخت موضوعی دارد، محمول گفته می‌شود. در این معنا، محمول در هر جایگاهی امکان حضور دارد و می‌تواند هسته جمله، سازه موضوع یا افزوده شود؛ بنابراین محمول‌های فعلی، اسمی، صفتی و حرف اضافه‌ای، با توجه به امکان فراخوانی سازه‌های موضوع، ماهیتی یکسان دارند و به‌لحاظ معنای گزاره‌ای، همگی رویداد^۶ به‌شمار می‌روند. تفاوت این محمول‌ها در ساخت رویدادی^۷ آن‌ها است؛ به بیان دیگر، عنصر تصریف در فعل، اسم، صفت و حرف اضافه متفاوت است و تفاوت انواع محمول از اینجا ناشی می‌شود.

پژوهش حاضر انواع محمول را در زبان فارسی بررسی می‌کند. برای آنکه بتوان تصویر شفافی از انواع محمول به‌دست داد، لازم است تا شباهت‌ها و تفاوت‌های رفتاری آن‌ها به‌دقت بررسی شود. برای این منظور، توجه به روابط میان محمول‌ها و موضوع‌ها، همچنین دقت در نوع عمل‌گرهای مربوط به هر محمول می‌تواند راهگشا باشد. مطالعه رضایی و عظیم‌دخت (۱۳۹۶) روی محمول‌های مکانی و

1. predicate
2. predicator
3. argument structure
4. M. Tallerman
5. M. Dryer
6. event

منظور از رویداد، هم خود رویداد است (مانند انفجار) و هم می‌تواند به کنش‌ها، فرایندها، وضعیت‌ها، موقعیت‌ها اطلاق شود (تالرمن، ۲۰۱۱: ۳۹).

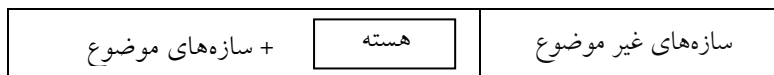
7. event structure

پژوهش پیمان و دیگران (۱۳۹۴) روی جایگاه محمول‌های صفتی در دستور نقش و ارجاع، از مرتبط‌ترین کارهای انجام‌شده در زبان فارسی، در راستای موضوع پژوهش حاضر هستند. رضایی و عظیم‌دخت (۱۳۹۶) محمول‌های مکانی را براساس رویکرد نقش و ارجاع و در ارتباط با فعل‌های ایستا، لحظه‌ای، پایا، کنشی، کنشی پایا بررسی کرده‌اند. برای پرهیز از دوباره‌گویی، معرفی پژوهش پیمان و دیگران (۱۳۹۴) در بخش محمول صفتی صورت خواهد گرفت.

چارچوب مورد نظر نوشتار پیش رو، یعنی دستور نقش و ارجاع با ساختار لایه‌ای که دارد، برای بررسی روابط میان محمول و سازه‌های موضوع و غیر موضوع و همچنین سیطره عمل‌گرها سازوکارهای مناسبی به دست می‌دهد. در دستور نقش و ارجاع در پایین‌ترین لایه هسته^۱ قرار می‌گیرد، هسته در همراهی با سازه‌های موضوع، بخش اصلی^۲ را می‌سازد و بخش اصلی در همراهی با سازه‌های غیر موضوع یا افزوده‌ها، به‌مثابه بخش حاشیه^۳، بند^۴ را تشکیل می‌دهند. نمودار (۱)، ساختار درونی بند را نشان می‌دهد.

بند

بخش اصلی

نمودار (۱). ساختار درونی بند در رویکرد نقش و ارجاع (ون ویلین^۵، ۲۰۰۵: ۴)

عمل‌گرها^۶ که معنای دستوری و ویژگی‌های تصریفی را بازنمایی می‌کنند، در این رویکرد در سطحی متفاوت از سازه‌های موضوع و سازه‌های بخش حاشیه قرار می‌گیرند. در ادامه مفهوم محمول با اتکا به رویکرد نقش و ارجاع و با توجه به روابط محمول - موضوع و همچنین در ارتباط با مفهوم عمل‌گر بررسی می‌شود. در این راستا، برای بررسی وضعیت محمول در زبان فارسی از نمونه‌های مناسب این مفهوم در پیکره گزاره‌های معنایی زبان فارسی (میرزائی و مولودی، ۲۰۱۶) استفاده می‌شود. در این پیکره که حجمی بالغ بر نیم‌میلیون کلمه دارد، محمول‌های فعلی، اسمی و صفتی مشخص شده‌اند و سازه‌های موضوع و افزوده آن‌ها شناسایی و نوع آن تعیین شده است.

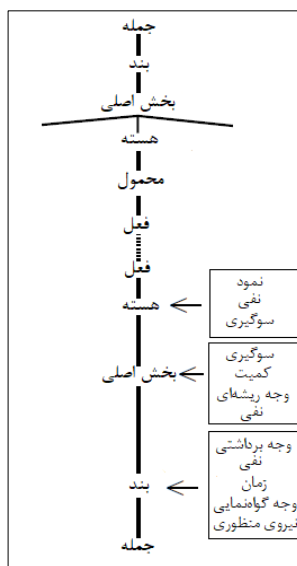
1. nucleus
2. core
3. periphery
4. clause
5. R. D. Jr. Van Valin
6. operator

۲- محمول فعلی

فعل با توجه به دو مفهوم ساخت موضوعی و ساخت رویدادی تعریف می‌شود. ساخت موضوعی به شرکت‌کننده‌های فعلی اشاره می‌کند و ساخت رویدادی یادآور ویژگی‌های دستوری است. فعلی که هم ساخت موضوعی دارد و هم ساخت رویدادی، فعل اصلی^۱ است. اگر فعلی ساخت رویدادی داشته باشد، اما ساخت موضوعی نداشته باشد، فعل کمکی^۲ به‌شمار می‌رود.

در دستور نقش ارجاع، بخش محمولی فعل در جایگاه هسته قرار می‌گیرد و ساخت رویدادی فعل در سطحی متفاوت از ساخت موضوعی نمایش داده می‌شود. هسته به‌همراه سازه‌های موضوع ذیل بخش اصلی قرار می‌گیرد و بخش اصلی به‌همراه برخی از افزوده‌ها بند را تشکیل می‌دهند.

لازم به توضیح است که افزوده‌ها براساس نوع‌شان از هم متفاوت می‌شوند. افزوده‌های نمودی در بخش حاشیه هسته قرار می‌گیرند، افزوده‌های حالت، زمان و مکان در حاشیه بخش اصلی قرار می‌گیرند و افزوده‌های وجه برداشتی^۳ و وجه گواهنمایی^۴ در بخش حاشیه بند جایابی می‌شوند.

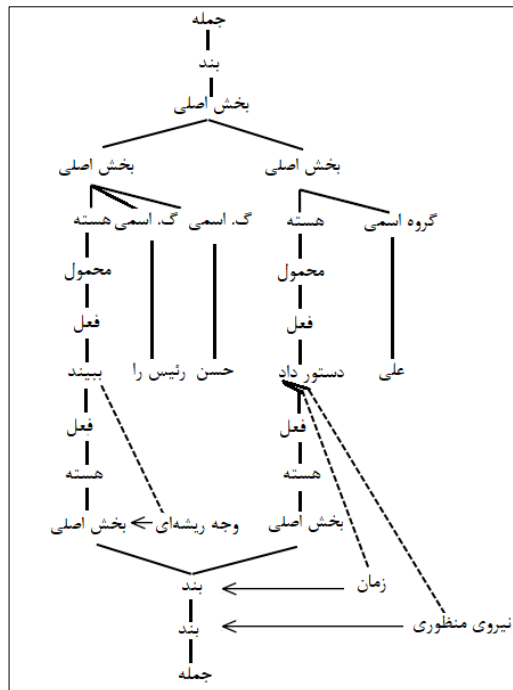


نمودار (۲). ساختار لایه‌ای بند (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۱۲)

عمل‌گرهای فعلی در سطحی جدا از سازه‌های موضوع و افزوده جایابی می‌شوند و همان‌طور که در

1. main verb
2. auxiliary verb
3. epistemic
4. evidential

لازم به توضیح است که چنانچه مفاهیم وجه ریشه‌ای با استفاده از فعل‌های دستوردادن، امرکردن، لازمبودن یا دوست‌داشتن، مایل‌بودن، علاقه‌داشتن و مانند آن نشان داده شود، میان محمول اصلی جمله و فعل‌های وجه‌نما با استفاده از روابط پیوند ارتباط برقرار می‌شود و هرکدام از فعل‌های مورد اشاره، ساختار عمل‌گری خود را خواهند داشت (نمودار ۴).



نمودار (۴). بازنمایی وجه ریشه‌ای به صورت فعلی

در لایه بند، افزون بر عمل‌گر زمان و نیروی منظوری^۱ که نشان می‌دهد جمله، امری، پرسشی یا خبری است، عمل‌گرهای وجه گواه‌نمایی و وجه برداشتی و نفی بندی هم وجود دارند که عمل‌گر نفی بندی در صورت وجود در ارتباط با آن‌ها قرار می‌گیرد. وجه برداشتی، قضاوت گوینده در خصوص واقعیت‌پذیری گزاره را مشخص می‌کند و وجه گواه‌نمایی، درباره اینکه گوینده چه مدرکی برای واقعیت‌پذیری گزاره دارد، اطلاعات می‌دهد (پالمر^۲، ۲۰۰۷: ۸-۹). به این ترتیب با منفی شدن افعال وجه برداشتی و وجه شواهدی، واقعیت‌پذیری کل بند شامل محمول، موضوع‌ها و افزوده‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ برای نمونه وقتی در مثال (۱) فعل *باور دارند* به *باور ندارند* تغییر می‌کند، واقعیت‌پذیری کل

1. illocutionary force
2. F. R. Palmer

بند درونه زیر سؤال می‌رود.

۱) دانشمندان باور دارند که یخ‌های قطب جنوب اطلاعات مهمی درباره‌ی گذشته‌ی این سیاره دارند. لازم است گفته شود که چون سیطره‌ی عملکرد عمل‌گر زمان بر بند است؛ بنابراین آنچه در دستورهای دیگر باعنوان بند بی‌زمان معرفی می‌شود، در دستور نقش و ارجاع بند به‌شمار نمی‌آید. در این رویکرد واحد زبانی مورد نظر، ذیل گره بخش اصلی قرار می‌گیرد.

۳- محمول اسمی

اسم‌ها براساس مفهوم ساخت موضوعی به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱- محمولی و ۲- غیر محمولی. اسم‌هایی مانند استفاده، کمک، دعوت، تقدیر، پرسش، تکرار، بازی، تصمیم‌گیری، فریب و مانند آن‌ها می‌توانند همراه با موضوع‌هایشان در جمله ظاهر شوند؛ برای مثال در گروه اسمی کمک علی به دوستانش در درس‌ها، محمول اسمی کمک با سه موضوع علی، دوستانش و درس‌ها همراه شده است. فراخوانی ساخت موضوعی توسط محمول‌های اسمی یکی از شباهت‌های رفتاری اسم با فعل است. شباهت دیگر محمول اسمی و محمول فعلی در بحث عمل‌گرها است. اسم نیز همانند فعل عمل‌گرهایی دارد که در سطحی جدا از سازه‌های موضوع و در لایه‌های مختلف قرار می‌گیرند. عمل‌گرهای هسته‌ی اسم به سه گروه تقسیم می‌شوند (ریجک‌هوف، ۲۰۰۲):

۱- عمل‌گر هسته‌ای: نمود اسمی^۱؛

۲- عمل‌گر بخش اصلی: شمار، کمیت^۲، نفی

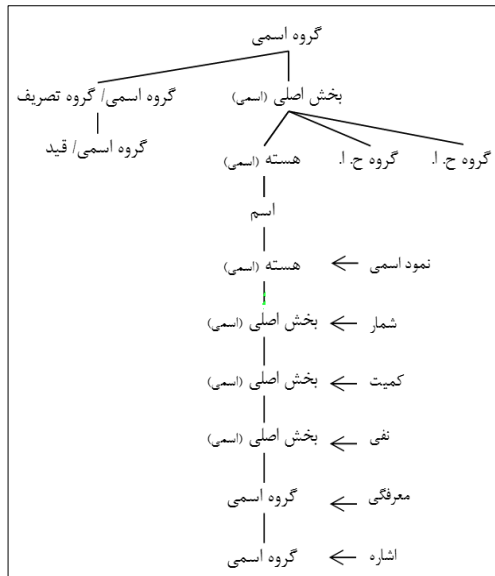
۳- عمل‌گر گروه اسمی: معرفگی و اشاری^۳ها

جکنداف^۴ (۱۹۹۰: ۲۲) میان تمایز قابل شمارش، غیر قابل شمارش در اسم و تمایز دو مفهوم کرانمدی^۵، ناکرانمدی^۶ در فعل قیاس برقرار می‌کند و آن‌ها را مفاهیمی موازی در نظر می‌گیرد. براساس این، نمود اسمی در ارتباط با کلیت یک موجودیت، بخشی از آن یا مجموعه‌ای از آن موجودیت تعریف می‌شود (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۲۴)؛ برای مثال لحظه‌هایی از بازی در مقابل در طول بازی یا همه‌ی بازی ویژگی‌های نمودی متفاوتی را بازنمایی می‌کند. ناگفته پیداست که در گروه‌های مورد اشاره، روابط

1. nominal aspect
2. quantification
3. deixis
4. R. S. Jackendoff
5. telicity
6. atelicity

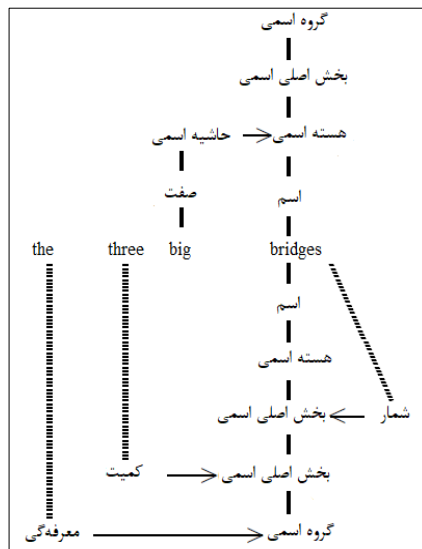
هسته - وابسته به‌لحاظ ساختاری منظور نیست و بیشتر مفهوم نمودی آن و ارتباط آن با هسته معنایی مورد توجه بوده است.

نمودار (۵)، ساختمان گروه اسمی را در دستور نقش و ارجاع نشان داده است:



نمودار (۵). ساختار لایه‌ای گروه اسمی (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۲۵)

و نمودار (۶) ساختار لایه‌ای یک گروه اسمی را نشان داده است:



نمودار (۶). ساختار لایه‌ای گروه اسمی در زبان انگلیسی (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۲۵)

همان‌طور که در نمودار (۶) دیده می‌شود، سازه‌های افزوده اسم در بخش حاشیه هسته اسمی قرار می‌گیرند؛ البته افزوده‌های مورد اشاره می‌توانند تظاهر بندی داشته باشند و به دو شکل بند موصولی توضیحی^۱ یا توصیفی^۲ مطرح شوند. بند موصولی توضیحی در بخش حاشیه گروه اسمی قرار می‌گیرد و بند موصولی توصیفی در بخش حاشیه هسته اسمی جایابی می‌شود.

۴- محمول حرف اضافه‌ای

در دستور نقش و ارجاع (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۲۱) حروف اضافه به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ ۱- حروف اضافه محمولی و ۲- حروف اضافه غیر محمولی. حروف اضافه محمولی مانند هر محمول دیگر، معنای مشخصی دارند که در محتوای معنایی بند مؤثر است و براساس آن، موضوع‌هایی فراخوانده می‌شود. در این اینجا، متمم حرف اضافه، موضوع آن به‌شمار می‌رود. حروف اضافه محمولی در جایگاه حاشیه و به‌مثابه سازه غیر موضوع، ویژگی‌های زمانی و مکانی فعل را نشان می‌دهند. در جمله (۲)، گروه حرف اضافه‌ای در مدرسه، به‌منزله عنصر حاشیه‌ای، ویژگی مکانی فعل را نشان می‌دهد. حرف اضافه در محتوای معنایی مکان دارد و مدرسه موضوع آن است.

(۲) علی و دوستش همدیگر را در مدرسه ملاقات کردند.

حروف اضافه غیر محمولی، اطلاعات معنایی خاصی را به بند اضافه نمی‌کند و موضوعی را نیز فرامی‌خواند. در این حالت حرف اضافه، حالت‌نما است و متمم حرف اضافه، سازه موضوع فعل به‌شمار می‌رود و فراخوانی آن از راه فعل صورت گرفته است. در جمله (۳) و (۴) حروف اضافه/از و به غیر محمولی هستند و متمم‌های این حروف اضافه از موضوع‌های فعل جمله به‌شمار می‌روند.

(۳) علی از دوستش سؤالاتی پرسید.

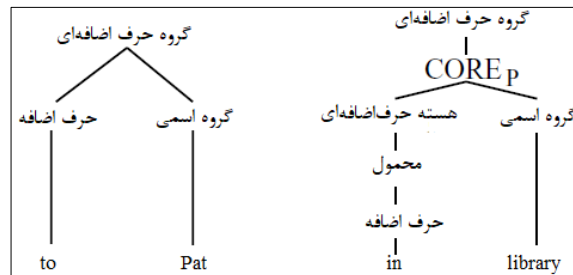
(۴) علی به دوستش هدیه داد.

نوع دیگری از حروف اضافه، آن‌هایی هستند که از یک‌سو در معنای جمله نقش ایفا می‌کنند و از دیگر سو، در جایگاه موضوع فعل قرار می‌گیرند و فراخوانی متمم آن‌ها با توجه به فعل جمله صورت می‌گیرد. در دو مثال (۵) و (۶)، با تغییر حرف اضافه از به/از معنای فعل خوردن و در نتیجه ساخت موضوعی که فرامی‌خواند، متفاوت می‌شود.

(۵) سرش به دیوار خورد.

(۶) علی از غذا خورد.

ون ویلین گروه سوم حروف اضافه را نیز محمولی در نظر می‌گیرد.



نمودار (۷). از راست به چپ حرف اضافه محمولی و حرف اضافه غیر محمولی (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۲۳)

۵- محمول صفتی

به‌طور کلی صفت در دو نقش ظاهر می‌شود؛ یکی در نقش گزاره‌ای و دیگری در نقش توصیفی. صفت گزاره‌ای در ساخت‌های اسنادی جایگاه مسند را پر می‌کند و در زبان فارسی در جایگاه پیش از فعل‌های است، بود و دیگر هم‌معنی‌های آن قرار می‌گیرد.

در بحث روابط محمول - موضوع، صفت‌ها را می‌توان به دو دسته محمولی و غیر محمولی تقسیم کرد. هریک از صفت‌های محمولی و غیر محمولی می‌توانند نقش گزاره‌ای داشته باشند یا توصیف‌گر هسته اسمی‌ای شوند. در مثال (۷) و (۸)، صفت‌های *مهربان* و *موفق*، از این لحاظ که در جایگاه گزاره قرار دارند، همانند هم هستند؛ اما از این جهت که اولی صفت غیر محمولی و دومی صفت محمولی است، از هم متفاوت می‌شوند.

(۷) علی مهربان است.

(۸) علی در کارهای خود موفق است.

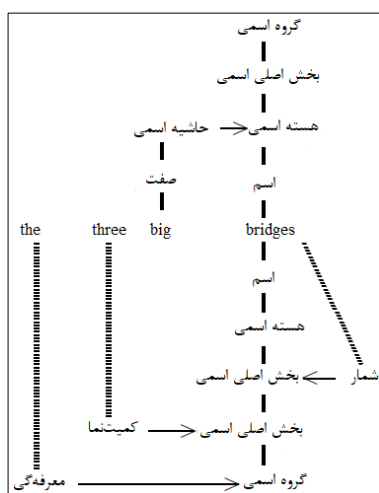
در گروه‌های اسمی (۹) و (۱۰)، صفت کم‌حرف و صفت *علاقه‌مند* به جهت آنکه هر دو نقش توصیفی دارند، به هم شبیه هستند اما از این بُعد که صفت «کم‌حرف» غیر محمولی و صفت «علاقه‌مند» محمولی است و می‌تواند ساخت موضوعی داشته باشد از هم متفاوت می‌شوند.

(۹) آدم‌های کم‌حرف

(۱۰) افراد علاقه‌مند به پژوهش و جستجو

در دستور نقش و ارجاع گروه مستقلی با عنوان گروه صفتی وجود ندارد. در این رویکرد، مسند صفتی، در جایگاه هسته جمله جایابی می‌شود و صفت در نقش توصیفی به‌مثابه عنصر حاشیه در گروه اسمی قرار می‌گیرد. به این ترتیب برای بررسی جایگاه چهار امکان صفتی شامل ۱- صفت محمولی توصیفی، ۲- صفت غیر محمولی توصیفی، ۳- صفت محمولی گزاره‌ای و ۴- صفت غیر محمولی گزاره‌ای، لازم است دو جایگاه حاشیه اسم و هسته جمله بررسی شود.

ون ویلین بیان می‌دارد که در دستور نقش و ارجاع، صفت توصیفی در ابتدا به‌مثابه عمل‌گر هسته‌ای اسم در نظر گرفته می‌شده است؛ اما همان‌طور که دری^۱ (۲۰۰۷) اذعان می‌دارد، فرض چنین مسئله‌ای سبب می‌شود که در میان عمل‌گرهای نقشی، صفت تنها عمل‌گر واژگانی باشد (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۲۶).

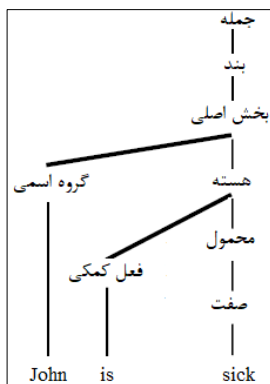


نمودار (۸). ساختار لایه‌ای اسم (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۲۳)

ون ویلین بر همین اساس، پیشنهاد می‌کند که صفت نیز هم‌ردیف قید در نظر گرفته شود و همانند آن به‌مثابه عنصر حاشیه برای هسته اسمی منظور شود. او بخش حاشیه هسته اسمی را جایگاه صفت، توصیف‌گرهای عددی و بند موصولی توصیفی در نظر می‌گیرد (همان: ۲۴-۲۶). به این ترتیب صفت‌های توصیفی چه محمول باشند؛ یعنی ساخت موضوعی را فرابخوانند و چه غیر محمول، در بخش حاشیه هسته اسمی قرار می‌گیرند.

ون ویلین ضمن اشاره به این موضوع که محمول فقط فعل نیست و می‌تواند از نوع اسمی، صفتی و حرف اضافه‌ای نیز باشد (همان: ۲۸)، بیان می‌کند که در ساخت‌های حاوی فعل‌های ربطی، صفت

به‌منزلهٔ محمول در جایگاه هستهٔ بند قرار می‌گیرد؛ برای مثال در جملهٔ *John is sick* همان‌طور که در نمودار (۹) دیده می‌شود، صفت *sick* محمول بند اصلی و *John* تنها موضوع آن است.



نمودار (۹). ساختار لایه‌ای جمله‌ای دارای مسند صفتی و فعل ربطی در زبان انگلیسی (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۲۷۲)

به این ترتیب آن‌چنان‌که مشخص است، در دستور نقش و ارجاع، صفت در دو جایگاه یکی در بخش حاشیهٔ اسم و دیگری در جایگاه گزاره قرار می‌گیرد؛ اما نکته‌ای که باید در نظر گرفت آن است که صفت توصیفی خود می‌تواند به دو زیربخش محمول و غیر محمولی تقسیم شود و در جایگاه گزاره نیز همین تقسیم‌بندی می‌تواند مطرح باشد. این موضوع، یعنی تفاوت صفت محمولی و صفت غیر محمولی، در ادامه مورد توجه قرار می‌گیرد.

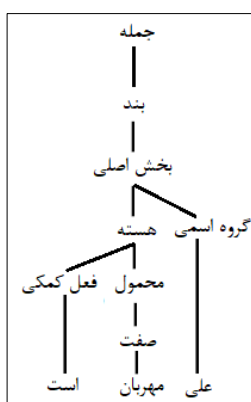
همان‌طور که گفته شد، صفت در جایگاه گزاره می‌تواند محمول باشد یا غیر محمول. در خصوص نقش صفت‌هایی که در جایگاه پیش از فعل‌های *است*، *بود* و *شد*، قرار می‌گیرند؛ دو دیدگاه وجود دارد (طیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۳۹ و طیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۰). یک دیدگاه توالی صفت و فعل‌های ربطی را فعل در نظر می‌گیرد و صفت را در این جایگاه به‌مثابهٔ جزء فعلی فعل مرکب شناسایی می‌کند. دیدگاه دوم آن را توالی مسند و فعل ربطی می‌داند (تنی‌یر^۱، ۱۹۸۰: ۱۳۸؛ شرابیر^۲، ۱۹۹۱: ۶؛ گوتسه^۳، ۱۹۷۹: ۷۸؛ آیزنبرگ^۴، ۱۹۷۶: ۱۰۵) بدیهی است که در هر دو دیدگاه صفت در محدودهٔ گزاره قرار دارد. میرزائی (۱۳۹۸ ب) دربارهٔ صفت‌های حاضر در جایگاه پیش از فعل‌های *است*، *بود* و *شد* در زبان فارسی استدلال می‌کند که صفت‌های محمولی در این جایگاه جزء فعلی فعل مرکب و صفت‌های

1. L. Tesniere
2. H. Schreiber
3. L. Götze
4. P. Eisenberg

نامحمولی مسند هستند.

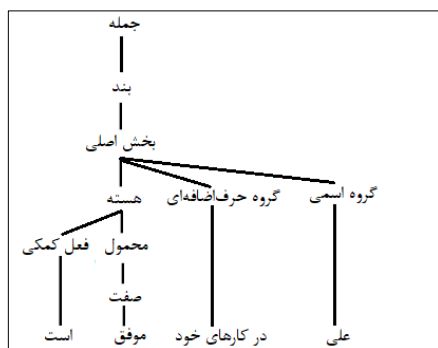
برای بررسی وضعیت این صفت‌ها در دستور نقش و ارجاع می‌توان دو صفت بیمار و موفق را مورد توجه قرار داد. نمودار جمله (۱۰) را به قیاس از نمودار (۹) می‌توان به شکل زیر به دست داد. در این حالت، بیمار در جایگاه محمول قرار می‌گیرد و علی به مثابه تنها موضوع آن ذیل گره بخش اصلی جایابی می‌شود.

(۱۱) علی بیمار است.



نمودار (۱۰). صفت گزاره‌ای مهربان در جایگاه فعل است

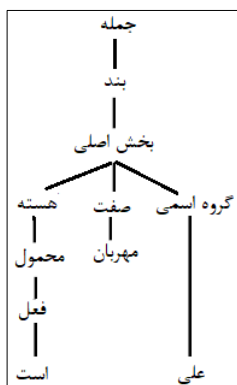
همچنین به قیاس از جمله (۱۱) و در تحلیل جمله (۱۲) صفت موفق را می‌توان در جایگاه محمول قرار داد و سازه‌های علی و در کارهای خود را به منزله سازه موضوع ذیل بخش اصلی آورد. (۱۲) علی در کارهای خود موفق است.



نمودار (۱۱). صفت محمولی در جایگاه پیش از فعل است

بر اساس نمودار (۱۰) و (۱۱)، صفت بیمار و موفق تفاوتی باهم ندارند؛ اما همان‌طور که

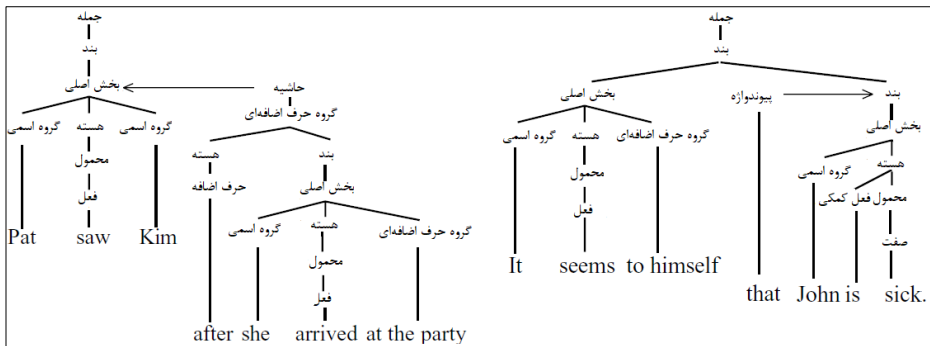
گفته شد، صفت‌های حاضر در جایگاه گزاره و پیش از فعل‌های است و بود، به دو گروه تقسیم می‌شوند. دسته اول صفت‌هایی مانند خارجی، آفتابی، شیک، ارزان، نارس و خوب هستند که ساخت موضوعی ندارند و در واقع در ساخت اسنادی به‌مثابه ویژگی فاعل یا معرف آن به‌شمار می‌آیند. دسته دوم صفت‌هایی همچون آشنا، نزدیک، مطلع، شیفته، مجهز، مشتاق و ناراحت هستند که همگی ساخت موضوعی دارند و خود محمول به‌شمار می‌روند. قراردادن صفت‌های محمولی براساس دستور نقش و ارجاع در جایگاه هسته، منطقی است؛ اما درخصوص صفت‌های گروه اول به‌نظر می‌رسد که باید فعل ربطی به‌منزله هسته در نظر گرفته شود تا بتوان به‌نوعی میان صفت گزاره‌ای محمولی و صفت گزاره‌ای غیر محمولی تمایز قائل شد. به این ترتیب برای ایجاد تمایز میان دو جمله (۱۱) و (۱۲)، یعنی علی بیمار است و علی در کارهای خود موفق است، باید نمودار (۱۰) را به‌شکل (۱۲) بازنویسی کرد و فعل است را به‌مثابه فعل اصلی و ارتباط‌دهنده فاعل و مسند در نظر گرفت. در این حالت، جایگاه متفاوت فعل در دو نمودار (۱۱) و (۱۲) می‌تواند تفاوت دو صفت محمولی گزاره‌ای و نامحمولی گزاره‌ای را نمایان کند.



نمودار (۱۲). صفت گزاره‌ای غیر محمولی

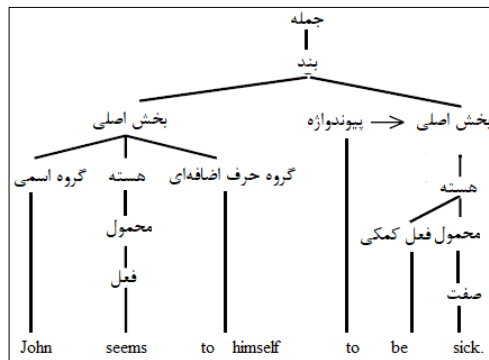
موضوع بعدی ایجاد تمایز میان صفت توصیفی محمولی و صفت توصیفی غیر محمولی است. عدم پذیرش گروه صفتی در دستور نقش و ارجاع در اینجا مشکلاتی را رقم می‌زند که البته برای آن نیز می‌توان پیشنهاد دیگری را مطرح کرد. برای این منظور لازم است که ابتدا به ساختار بندهای زمان‌دار و بی‌زمان توجه کرد. همان‌طور که در نمودارهای (۱۳) و (۱۴) دیده می‌شود، بندهای درونه براساس ویژگی‌هایی که دارند به‌طور متفاوت جایگاه‌یابی می‌شوند. اگر بند درونه زمان‌دار باشد، باید ذیل گره بند قرار گیرد. در نمودار زیر دو بند *John is sick* و *She arrived at the party* زمان‌دار هستند و ذیل گره

بند قرار گرفته‌اند. بند اول همراه با یک متمم‌نما بلافاصله در زیر گره بند اصلی جمله قرار دارد و بند دوم در همراهی با حرف اضافه زیر گره حرف اضافه که خود به‌مثابه بخش حاشیه ظاهر شده، آمده است.



نمودار (۱۳). بند درونۀ زماندار (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۲۱۶ و ۲۷۲)

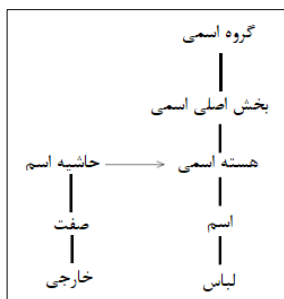
اگر بند درونه بی‌زمان باشد نحوه اتصالش به جمله متفاوت از بندهای زمان‌دار خواهد بود. در نمودار (۱۴) بند درونه بی‌زمان است و به همین دلیل بند بی‌زمان ذیل گره بخش اصلی قرار گرفته و خود بخش اصلی مورد اشاره ذیل گره بند اصلی جمله آمده است؛ به بیان دیگر زمان جزء عمل‌گرهای بند است و بنابراین بند بی‌زمان به‌طور کلی در دستور نقش و ارجاع در واحد بند تعریف نمی‌شود.



نمودار (۱۴). بند درونۀ بی‌زمان (ون ویلین، ۲۰۰۵: ۲۷۲)

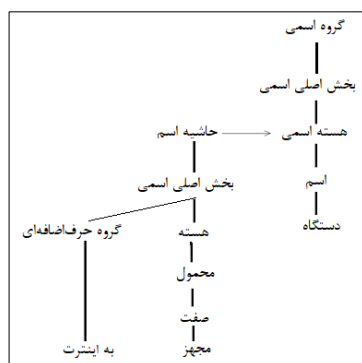
دقت در رفتار بندهای زمان‌دار و بی‌زمان این تصور را ایجاد می‌کند که باید محمول‌های صفتی توصیفی را ذیل بخش اصلی معرفی کرد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، صفت توصیفی، در بخش اصلی هسته اسمی قرار می‌گیرد؛ بنابراین تمایز دو عبارت لباس تمیز و دستگاه مجهز به اینترنت را می‌توان در نمودار (۱۵) و (۱۶) نشان داد.

گروه اسمی لباس خارجی حاوی هسته اسمی لباس و صفت توصیفی خارجی است. صفت در بخش حاشیه هسته اسمی قرار می‌گیرد.



نمودار (۱۵). صفت غیر محمولی توصیفی

در گروه اسمی دستگاه‌های مجهز به اینترنت، دستگاه هسته اسمی و گروه صفتی مجهز به اینترنت وابسته صفتی آن است. براساس این، گروه صفتی مورد اشاره همانند صفت خارجی در جایگاه بخش اصلی هسته اسمی قرار گرفته است؛ اما برای ایجاد تمایز میان صفت‌های محمولی (مجهز) و غیر محمولی (خارجی) پیشنهاد می‌شود که ساختار صفت محمولی به‌مثابه بخش اصلی در نظر گرفته شود؛ به‌بیان دیگر، گروه صفتی در اینجا موقعیتی همانند بند موصولی دارد با این تفاوت که زمان ندارد و بنابراین بند نیست. به همین دلیل، به‌منزله بخش اصلی در نظر گرفته می‌شود. متسوویچ^۱ (۲۰۰۰ و ۲۰۰۱) نیز در بررسی صفت توصیفی بیان می‌دارد که صفت در این شرایط جایگاهی همانند بند موصولی دارد. در این حالت صفت مجهز، در جایگاه هسته قرار می‌گیرد و اینترنت به‌مثابه سازه موضوع محمول صفتی، ذیل بخش اصلی جایابی می‌شود.



نمودار (۱۶). صفت محمولی توصیفی

براساس آنچه گفته شد تا اینجا این امکان فراهم بود که قائل نبودن به گروه صفتی در دستور نقش و ارجاع به نوعی جبران شود؛ اما واقعیت این است که تحلیل برخی از توصیف‌گرهای صفتی در شرایطی که به گروه صفتی قائل نباشیم، مشکل‌آفرین است.

پیمان و دیگران (۱۳۹۴) در بررسی جایگاه صفت در دستور نقش و ارجاع، بازنمایی صفت عالی را به‌مثابه چالشی برای تحلیل مستوویچ (۲۰۱۱) معرفی می‌کنند و بیان می‌دارند که در عبارتی مانند *علاقه‌مندترین دانشجو به زبان‌شناسی*، گروه حرف اضافه‌ای به زبان‌شناسی وابسته صفت عالی *علاقه‌مندترین* است که دستور نقش و ارجاع برای تحلیل آن سازوکاری را نمی‌تواند پیشنهاد کند؛ افزون بر این می‌توان توصیف‌گرهای مختلف و متنوعی برای صفت‌ها برشمرد که وجود آن‌ها لزوم قائل شدن به گروه صفتی و بررسی ساختار لایه‌ای آن را در زبان فارسی پیش می‌آورد.

در گروه‌های صفتی مانند *ذاتاً زیبا*، *صرفاً ذهنی*، *عمیقاً زنانه*، *واقعاً بغرنج*، *تقریباً پرفرت‌وآمد*، *اغلب معتقد*، *اساساً فراری*، *کاملاً مخالف*، *کاملاً آب‌پز*، *کاملاً جدا از هم*، *نسبتاً غلیظ*، *فوق‌العاده پرهزینه*، *گاهاً متضاد*، *بعضاً پراوازه*، *کمابیش ملایم*، *اغلب ناتوان‌کننده روانی*، *تصویری و نه واقعی* صفت‌ها و قیدهایی حضور دارند که هسته صفتی یا گروه صفتی را توصیف می‌کنند و لازم است در ساختار لایه‌ای جایابی شوند. در واقع همان‌طور که در گروه‌های اسمی و در ساختار لایه‌ای بند، افزوده‌ها براساس نوع‌شان در لایه‌های مختلف جایابی می‌شدند، در خصوص افزوده‌های متنوع و مختلف صفتی نیز چنین ساختاربندی‌ای ضروری به‌نظر می‌رسد. برای بحث بیشتر می‌توان گروه‌های صفتی *همیشه جاودان*، *اغلب ناتوان‌کننده روانی*، *کاملاً جدا از هم* و *نه‌چندان دور* و *تقریباً پرفرت‌وآمد* را در نمونه‌های زیر مورد توجه قرار داد.

(۱۳) نامی *همیشه‌جاودان* جا می‌گذاریم.

(۱۴) [این] یک بیماری مزمن و *اغلب ناتوان‌کننده روانی* است که می‌تواند باعث شود از مردم فعالیت‌های دنیای اطرافتان جدا بيفتید.

(۱۵) *طلاسازی و جواهرسازی دو رشته کاملاً جدا از هم هستند.*

(۱۶) هنگامی که ما براساس مشکلات تصویری و نه واقعی، زنجیره‌هایی از شایدها را به‌دنبال هم ردیف می‌کنیم، برای خود تصویری مخدوش از آینده‌ای *نه‌چندان دور* ساخته‌ایم.

(۱۷) در راهروی *تقریباً پرفرت‌وآمد* در حال قدم‌زدن بودم که ...

در نمونه‌های (۱۳) و (۱۴)، همیشه و *اغلب* می‌توانند بیان‌گر مفهوم وجه برداشتی باشند و در همین

ارتباط می‌توان قید/احتمالاً را جایگزین دو قید همیشه و اغلب کرد. قیدهای معرف وجه برداشتی در گروه اسمی در حاشیه گروه اسمی قرار می‌گیرند و در بند، در حاشیه بند جایابی می‌شوند. این درحالی است که در دستور نقش و ارجاع گروه صفتی وجود ندارد که بتوان افزودن‌های وجه برداشتی را در حاشیه آن قرار داد. در مثال (۱۶)، نه و نه‌چندان می‌تواند به‌مثابه عمل‌گر نفی در نظر گرفته شود. در بند، عنصر نفی در هر سه لایه بند، بخش اصلی و هسته، امکان بازنمایی دارند؛ همچنین قیدهای کاملاً، تقریباً، شدیداً، نسبتاً یا صفتی مانند سخت، می‌تواند به کیفیت مقداری صفت اشاره کند و یادآور مفهوم نمود باشد. مفهوم نمود در مورد اسم و فعل، برای سطح هسته تعریف می‌شوند. دیگر توصیف‌گرهای صفتی شامل کاملاً، به‌شدت، و نسبتاً (تقریباً) در کاملاً آفتابی، به‌شدت مه‌آلود و نسبتاً غلیظ، بیان‌گر کیفیت صفت به‌لحاظ ساختار درونی آن است؛ افزون بر موارد پیش گفته، می‌توان توصیف‌گرهای دیگری برای صفت مطرح کرد که اطلاعاتی را به‌لحاظ نوعی به صفت نسبت می‌دهند و می‌توانند به‌مثابه افزوده حاشیه‌ای برای آن مطرح باشند؛ برای نمونه قید ذاتاً در ذاتاً زیبا نوع زیبایی را نشان می‌دهد.

آن‌چنان‌که مشخص است، وجود توصیف‌گرهای صفتی متفاوت، پذیرش گروه صفتی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در واقع با وجود گروه صفتی، امکان بررسی صفت و توصیف‌گرهای آن در ساختار لایه‌ای فراهم می‌شود؛ البته از آنجاکه بررسی گروه صفتی و ساختار لایه‌ای آن پژوهش مستقلی را می‌طلبد و به‌نظر می‌رسد طرح مسئله در اندازه فعلی و در چارچوب نوشتار پیش رو کفایت می‌کند؛ از همین رو، نگارنده بحث را در همین‌جا تمام می‌کند و در ادامه به مقایسه انواع محمول در زبان فارسی می‌پردازد. بدیهی است طرح موضوع اخیر بر بخش بعدی نیز تأثیرگذار است.

۶- مقایسه محمول فعلی، اسمی، صفتی، حرف اضافه‌ای

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، محمول‌های فعلی، اسمی، صفتی و حرف اضافه‌ای از آن‌لحاظ که ساخت موضوعی دارند، به‌هم شبیه هستند و تفاوت محمول‌های مورد اشاره در عمل‌گرهایی است که به هر کدام از آن‌ها اختصاص می‌یابد؛ به‌بیان دیگر درست است که محمول‌ها می‌توانند موضوع‌هایی را فرابخوانند و به‌لحاظ معنای گزاره‌ای رفتاری مشابه داشته باشند؛ اما ویژگی‌های دستوری‌شان از هم متفاوت است. میرزائی (۱۳۹۳) در بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های اسم گزاره‌ای و فعل بیان می‌دارد که گروه اسمی حاوی اسم گزاره‌ای و بند به‌لحاظ سازه‌های موضوع و غیر موضوع بسیار مشابه هستند. او همچنین بیان می‌دارد که در میان عمل‌گرهای فعلی تمام عمل‌گرها به‌جز عمل‌گر نیروی منظوری، درخصوص اسم هم قابلیت بازنمایی دارند. وی بازنمایی این امکانات را در بخش حاشیه می‌داند. در

این بخش و در ادامه برخی شباهت‌های دیگر میان محمول فعلی و سایر محمول‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

نکته‌ای که پیش از ورود به بحث باید به آن توجه کرد این است که مفاهیم دستوری به مثابه معنای رابطة‌ای به شیوه‌های متفاوت بازنمایی می‌شوند؛ برای مثال در بازنمایی مفهوم وجه می‌توان از امکانات متعددی استفاده کرد که از جمله آن‌ها به موارد زیر اشاره می‌شود: ۱- وندافزایی؛ ۲- تخصیص واژه‌ای جدا برای این مفهوم در مقوله‌های مختلف دستوری؛ ۳- استفاده از فعل وجهی؛ ۴- گروه‌های دستوری وجه‌نما؛ ۵- استفاده از بند.

بررسی ساختار درونی بند و گروه اسمی، گروه حرف اضافه‌ای و گروه صفتی، نشان‌دهنده آن است که محمول اسمی بیشترین نزدیکی را با محمول فعلی دارد. در واقع برای محمول حرف اضافه‌ای به‌طور کلی نمی‌توان عمل گر خاصی متصور بود. محمول صفتی نیز در ظاهر به لحاظ ویژگی‌های عمل‌گری به محمول فعلی شباهت کمتری دارد و به‌طور کلی در دستور نقش و ارجاع به رسمیت شناخته نمی‌شود و برخلاف گروه‌های اسمی، فعلی و حرف اضافه‌ای، ساختار لایه‌ای برای آن در نظر گرفته نشده است.

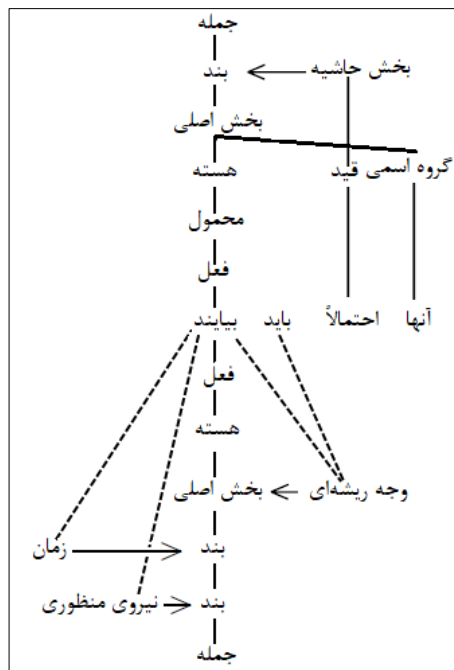
در ادامه برای بررسی ویژگی‌های دستوری انواع محمول، ابتدا عمل‌گرهای محمول فعلی معرفی می‌شوند، سپس به امکان بازنمایی آن‌ها برای محمول اسمی توجه می‌شود و پس از محمول‌های اسمی، امکان بازنمایی عمل‌گرهای مورد اشاره در محمول‌های صفتی و حرف اضافه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد.

عمل‌گرهای فعل شامل نمود، نفی، سوگیری، کمیت، وجه ریشه‌ای، وجه برداشتی، وجه گواه‌نمایی، زمان و نیروی منظوری است. بازنمایی این مفاهیم به صورت فعل کمکی و وندافزایی، به‌طور عمده ویژگی اختصاصی فعل است؛ اما بررسی گروه‌های نحوی مختلف نشان می‌دهد که بسیاری از مفاهیم دستوری مورد اشاره به‌ویژه در گروه اسمی نیز قابل مشاهده است.

در زبان فارسی برای بازنمایی مفهوم وجه (ریشه‌ای، برداشتی و گواه‌نمایی) امکانات متعددی وجود دارد. پیشوند *be-* دو وجه التزامی و اخباری را از هم متمایز می‌کند و به‌جز این مورد در زبان فارسی نند وجه‌نمای دیگری وجود ندارد. استفاده از فعل‌های وجهی مانند *بایستن*، امکان دیگری است که برای بیان وجه از آن‌ها استفاده می‌شود. فعل‌های وجهی و نندهای وجه‌نما به‌مثابه عملگر در کنار فعل قرار می‌گیرند و براساس نوع، سیطره عملکردی متفاوتی دارند.

از دیگر امکانات وجهی می‌توان به قید قطعاً و گروه حرف اضافه‌ای *به احتمال زیاد* اشاره کرد. قیدها

و گروه‌های حرف اضافه‌ای در بخش حاشیه و درجایی متفاوت از فعل وجهی ظاهر می‌شوند. نمودار (۱۷) مرتبه عناصر وجهی (وندی، فعلی و افزوده‌ای) را نشان می‌دهد.



نمودار (۱۷). بازنمایی مفهوم وجه در بند

بررسی گروه‌های اسمی بیان‌گر آن است که برخی امکانات عمل‌گری فعل را می‌توان برای محمول اسمی نیز مطرح کرد. نکته این است که بازنمایی مفهوم وجه به صورت فعل کمکی یا وندافزایی برای محمول‌های اسمی امکان‌پذیر نیست؛ اما بازنمایی آن به صورت افزوده برای اسم امکان‌پذیر است؛ برای مثال سازه‌های زیرخط‌دار شده در گروه‌های اسمی شرکت اجباری دانشجویان در این آزمون، اقدامات مجاز گروه ...، بازدید احتمالی نمایندگان از ...، حضور قطعی تیم ملی در بازی‌ها همگی بیان‌گر مفهوم وجه هستند.

از دیگر شباهت‌های گروه اسمی و بند زمان‌دار، عمل‌گر نمود است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد؛ ون ویلین با تکیه بر جکنداف (۱۹۹۰: ۲۲) به بحث نمود اسمی می‌پردازد و آن را با مفاهیم بخششی از موجودیت یا کل آن در ارتباط قرار می‌دهد؛ افزون بر این، همانند آنچه در خصوص وجه گفته شد، مفهوم نمود را نیز می‌توان به صورت افزوده مطرح کرد که در این حالت گروه مورد نظر در بخش حاشیه هسته اسمی قرار می‌گیرد. از آن گذشته همان‌طور که می‌توان برای فعل نمود واژگانی قائل شد و

براساس نظر وندلر^۱ (۱۹۵۷) چهار امکان نمود پویا^۲، ایستا^۳، غایت‌مند^۴ و حصولی^۵ را درخصوص فعل مطرح کرد، برای اسم‌ها نیز این ویژگی قابل تعریف است که البته چون بازنمایی ساختاری ندارد، در ساختار لایه‌ای گروه صورت‌بندی نمی‌شود. لازم به توضیح است که عدم امکان بازنمایی مفهوم نمود واژگانی در ماهیت وجودی آن تأثیری ندارد؛ به‌بیان دیگر، درست است که مفهوم نمود در فعل به‌صورت وند یا فعل کمکی قابل نمایش است و در سطح عمل‌گرها جایی به‌خود اختصاص می‌دهد؛ اما امکان طرح مفهوم نمود برای اسم خود نکته‌ای قابل تأمل است که به شباهت این دو نوع محمول اشاره می‌کند.

امکان بازنمایی مفهوم نفی در محمول‌های اسمی یکی دیگر از شباهت‌های محمول اسمی و فعلی است. تبدیل رفتن به نرفتن، کمک به کمک‌نکردن، استفاده به عدم استفاده، سازگاری به ناسازگاری و مانند آن به بازنمایی مفهوم نفی در محمول اسمی اشاره می‌کند. تمامی موارد ذکرشده قطبیت از نوع هسته‌ای را بازنمایی می‌کنند؛ اما ترکیب مفهوم قطبیت با افزوده‌های وجه‌نا نیز می‌تواند برای اسم مطرح باشد. حضور نامحتمل نمونه‌ای از این موارد است.

یکی دیگر از عمل‌گرهای فعل، عمل‌گر زمان است. همانند مفاهیم دستوری دیگر، زمان نیز می‌تواند به‌صورت افزوده در گروه اسمی بازنمایی شود. در گروه اسمی مسابقه دیروز، دیروز در بخش حاشیه قرار می‌گیرد و نقش توصیفی دارد؛ اما به‌لحاظ معنایی به ویژگی زمان انجام مسابقه اشاره می‌کند. دیروز را می‌توان با درحال اجرا یا درجریان جابه‌جا کرد. در این صورت زمان اجرای مسابقه، زمان حال خواهد بود و ضمن آن به مفهوم نمود نیز اشاره می‌کند.

به‌نظر می‌رسد عمل‌گر نیروی منظوری تنها عمل‌گر اختصاصی فعل اصلی جمله باشد که در محمول اسمی امکان بازنمایی ندارد؛ به‌بیان دیگر، تفاوت اصلی گروه اسمی حاوی هسته اسمی محمولی با بند در عمل‌گر نیروی منظوری است. وگرنه تمام مفاهیم دستوری مرتبط با فعل به‌شکل توصیفی و در بخش حاشیه قابل بازنمایی هستند. در نقطه مقابل ویژگی‌های عمل‌گری اسم شامل شمار، معرفگی و اشاره، ویژگی‌های اختصاصی اسم است و برای فعل قابل تعریف نیست.

لازم به توضیح است که بازنمایی معنای رابطه‌ای که عمل‌گرهای فعل منتقل می‌کنند، به‌صورت

-
1. Z. Vendler
 - 2 dynamic
 - 3 stative
 - 4 accomplishment
 - 5 achievement

افزوده برای خود فعل نیز وجود دارد؛ برای نمونه در مثال (۱۸)، ظاهراً و به‌طور کامل به‌لحاظ نحوی برای فعل بازسازی کرد سازه افزوده به‌شمار می‌آیند و در بخش حاشیه جایابی می‌شوند. مرتبه قرارگیری این دو بخش با توجه به نوع افزوده مشخص می‌شود. ظاهراً به‌لحاظ معنایی مفهوم وجه برداشتی را منتقل می‌کند و بنابراین در بخش حاشیه بند قرار می‌گیرد؛ اما به‌طور کامل، مفهوم نمود را منتقل می‌کند و در بخش حاشیه هسته جایابی می‌شود.

(۱۸) ظاهراً این ستاره خودش را به‌طور کامل بازسازی کرده است.

موضوع بعدی بررسی میزان شباهت محمول صفتی به محمول فعلی است. همان‌طور که در بخش (۵) مطرح شد، صفت‌ها به‌لحاظ نقشی به دو دسته توصیفی و گزاره‌ای و از نظر فراخوانی ساخت موضوعی به دو گروه صفت محمولی و غیر محمولی تقسیم می‌شوند؛ همچنین عنوان شد که به‌لحاظ وجود توصیف‌گرهای صفتی برخلاف باور مطرح در دستور نقش و ارجاع لازم است تا گروه صفتی به‌رسمیت شناخته شود و ساختار لایه‌ای آن بررسی شود. در بیان شباهت‌های محمول صفتی و محمول فعلی، افزون بر فراخوانی ساخت موضوعی، می‌توان به امکان بازنمایی مفهوم نمود در بخش حاشیه هسته صفتی و مفاهیم وجه در بخش حاشیه گروه صفتی اشاره کرد. امکان بازنمایی مفهوم نفی یکی دیگر از شباهت‌های محمول صفتی و فعلی است. براساس داده‌های پژوهش حاضر، مفاهیم عمل‌گری دیگر فعل مانند زمان، نیروی منظوری، عمل‌گر سوگیری، بر روی محمول صفتی امکان بازنمایی ندارند. محمول حرف اضافه‌ای کمترین شباهت را به محمول فعلی دارد. در واقع تنها افزوده‌های انحصار مانند فقط، درست و خصوصاً/ به‌خصوص می‌توانند در ارتباط با گروه‌های حرف اضافه‌ای و حروف اضافه مطرح باشند. در داده‌های پژوهش حاضر عباراتی مانند فقط برای شرکت در مراسم، درست در وسط میدان و به‌خصوص در این منطقه، نمونه‌ای از این کاربردها هستند.

۷- نتیجه‌گیری

مفهوم محمول براساس امکان فراخوانی ساخت موضوعی شکل می‌گیرد. با این حال بررسی محمول‌های فعلی، اسمی، صفتی و حرف اضافه‌ای زبان فارسی نشان می‌دهد که افزون بر فراخوانی ساخت موضوعی می‌توان میان محمول‌ها ویژگی‌های مشترک دیگری را نیز شناسایی کرد. برای بررسی ویژگی‌های مشترک دیگری که میان محمول‌ها وجود دارد، لازم است تا به سازه‌های افزوده و عمل‌گرهای مرتبط با هریک از این محمول‌ها توجه کرد. بررسی داده‌ها بیان‌گر آن است که محمول

اسمی بیشترین شباهت و محمول حرف اضافه‌ای کمترین شباهت را به محمول فعلی دارد. تمام عمل‌گرهای فعلی، به‌جز عمل‌گر نیروی منظوری درمورد محمول اسمی نیز به‌نوعی قابلیت بازنمایی دارند. در این‌راستا تفاوت محمول اسمی و محمول فعلی در نوع بازنمایی معنای رابطه‌ای است که در فعل به‌صورت عمل‌گر معرفی می‌شود. درواقع بازنمایی مفاهیم عمل‌گری فعل، به‌شکل وند یا با استفاده از فعل کمکی، تنها به فعل اختصاص دارد و در اسم تنها به‌شکل افزوده امکان تظاهر می‌یابد. درخصوص عمل‌گرهای اسمی نیز عمل‌گرهای اشاره، معرفگی و عمل‌گر شمار، تنها مختص به اسم است. میزان شباهت محمول صفتی به محمول فعلی نسبت به محمول اسمی کمتر است. مفاهیم نمود، وجه و نفی تنها ویژگی‌هایی هستند که در فعل به‌صورت عمل‌گری و در صفت به‌شکل افزوده قابلیت بازنمایی دارند و درنهایت محمول حرف اضافه‌ای امکان بازنمایی هیچ‌یک از مفاهیم عمل‌گری فعل را ندارد.

منابع

- پیمان، شهرام؛ والی رضایی و محمد عموزاده (۱۳۹۴). جایگاه گروه صفتی زبان فارسی در دستور نقش و ارجاع. پژوهش‌های زبانی، ۶ (۲)، ۶۰-۴۱.
- رضایی، والی؛ ذلیخا عظیم‌دخت (۱۳۹۶). بررسی محمول‌های مکانی در زبان فارسی براساس دستور نقش و ارجاع. زبان‌پژوهی، ۹ (۲۲)، ۱۰۷-۱۲۵.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۸۸). ظرفیت صفت در فارسی. ویژه‌نامه نامه فرهنگستان (دستور)، (۵)، ۳-۲۶.
- (۱۳۹۳). دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی. تهران: مرکز.
- میرزائی، آزاده (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه اسم گزاره‌ای در گروه اسمی و فعل در جمله براساس رویکرد نقش و ارجاع. در: محمد دبیرمقدم، مجموعه مقالات نهمین همایش زبان‌شناسی ایران، ۱۲۴۷-۱۲۶۲، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- (۱۳۹۸ الف). عمل‌گر سوگیری در زبان فارسی. واژه واژه زندگی (جشن‌نامه دکتر ویدا شتاقی)، نشر نویسه پارسی.
- (۱۳۹۸ ب). محمول صفتی در زبان فارسی، زبان‌شناخت، زیرچاپ.

References

- Dryer, M., S. (2007). Word Order, in Timothy Shopen (Ed.) *language typology and syntactic description*, (vol. I), 61-131, Cambridge University Press.
- Eisenberg, P. (1976). *Oberflächenstruktur und logische Struktur: Untersuchungen zur*

- Syntax und Semantik des deutschen Prädikatadjektivs. *Linguistische Arbeiten*, 36, Tübingen.
- Götze, L. (1979). Valenzstrukturen deutscher Verben und Adjektive. *Heutiges Deutsch: Linguistische und didaktische Beiträge für den deutschen Sprachunterricht*, Reihe III München.
- Jackendoff, R. S. (1990). *Semantic structures*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Matasović, R. (2000). The Adjective and Possessive Phrases in Croatian. *Suvremena lingvistika* 49/50 2000 (2002), 99-110.
- (2001). *Adjective phrases*. <http://www.linguistics.buffalo.edu/research/rrg.html>.
- Mirzaei, A. & A. Moloodi (2016). Persian proposition Bank. *In Proceedings of the 10th International Language Resources and Evaluation*. Portorož (Slovenia). May, 3828-3835.
- Palmer, F. R. (2007). *Mood and modality*. Cambridge University Press.
- Rijkhoff, J. (2002). *The noun phrase: a typological study of its form and structure*. Oxford: Oxford University Press.
- Schreiber, H. (1991). Deutsche Adjektive. *Wortfelder für den Sprachunterricht*, Berlin.
- Tallerman, M. (2011). *Understanding syntax*. Hodder Education.
- Tesniere, L. (1980). *Grundzüge der strukturalen Syntax*, Hg. Und üs. Von Ulrig Engel, Stuttgart.
- Van Valin, R. D. Jr. (2005). *Exploring the Syntax–Semantics Interface*. Cambridge University Press.
- Vendler, Z. (1957). Verbs and Times. *the Philosophical Review*, 66 (2), 143-160.